

کتاب دانیال - شماره نه

پیام فرشتگان نخستین

Jeff Pippenger

2023-12-04

باب اول دانیال، پیام فرشته نخست باب چهاردهم مکاشفه را نمایندگی می‌کند. یهوایم به طور نمادین نشان می‌دهد که این، قدرت یافتن پیام فرشته نخست است، نه رسیدن آن در «زمان پایان». همه انبیا «ایام آخر» داوری تحقیقی را شناسایی می‌کنند، از این رو آن باب نمایانگر یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ است، زمانی که فرایند آزمون یکصد و چهل و چهار هزار نفر آغاز شد. در باب سوم ملاکی، آن فرایند به صورت فرایند تطهیر به تصویر کشیده شده است؛ هنگامی که فرستاده‌ای راه را مهیا می‌کند تا فرستاده عهد ناگهان به هیکل خود بیاید. آن فرستاده که راه را مهیا می‌کند و نیز همان «صدا»یی که در بیابان فریاد می‌زند، خود نیز آزمونی است که بخشی از فرایند تطهیر به شمار می‌رود. در باب سوم ملاکی، یکصد و چهل و چهار هزار نفر به صورت پسران لاوی نمایانده شده‌اند. پسران لاوی نماینده کسانی هستند که در شورش گوساله طلایی، که تصویر وحش را نمایندگی می‌کرد، در کنار فرستاده، موسی، ایستادند.

قبول شدن در آزمون تمثال وحش، یکی دیگر از نمونه‌های کتاب مقدسی آزمون دوم از میان سه آزمونی است که فرایند تطهیر را تشکیل می‌دهند. پسران لاوی باید پیش از آنکه مهر شوند، آن آزمون را بگذرانند.

مهرگذاری مذکور در فصل‌های هشتم و نهم کتاب حزقیال، نمونه‌ای دیگر از فرایند تطهیری است که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد. در فصل هشتم، کسانی در اورشلیم که سرانجام در برابر خورشید سجده می‌کنند، نماینده چهار نسل ادونتیسیم لائودکیه‌ای هستند. در فصل نهم، آنان که مهر را دریافت می‌کنند برای رجاساتی که در درون اورشلیم در حال وقوع است ناله و زاری می‌کنند. اورشلیم، کلیسای خداست.

پیام‌های سه فرشته نیز تصویری از فرایند تطهیرند. این سه پیام نمایانگر یک روند آزمون سه مرحله‌ای‌اند، و لازم است که پسران لاوی آزمون نخست را بگذرانند تا اصلاً بتوانند وارد آزمون دوم شوند. آزمون سوم از نوعی دیگر است، زیرا نمایانگر آزمونی است که مشخص می‌کند آیا پسران لاوی دو آزمون نخست را با موفقیت پشت سر گذاشته‌اند یا نه. این یک سنگ محک نبوی است. آزمون نخست یک آزمون خوراکی است (از نظر روحانی)، زیرا قبولی یا مردودی در آن بر این اساس است که آیا پسران لاوی پیام ارائه شده از سوی روح القدس از طریق ایلیا، فرستاده‌ای که راه را برای فرستاده عهد آماده می‌کند، را می‌پذیرند یا نه.

آیه نخست کتاب مکاشفه بر جدیت آن پیام تأکید می‌کند. این آیه عمداً مشخص می‌کند که پیامی را که فرستاده‌ای انسانی، که به صورت یوحنا معرفی شده است، به کلیساها می‌فرستد، جبرئیل به او داده است؛ جبرئیلی که آن را از مسیح دریافت کرد، و مسیح نیز آن را از پدر. پیام ایلیا دارای اقتدار الهی است، و رد کردن پیام یوحنا، یا ایلیا، یا «صدای نداکننده‌ای در بیابان»، به معنای رد کردن مکاشفه عیسی مسیح است.

آزمون دوم، آزمونی بصری است؛ زیرا هنگامی که پسران لاوی پیام ایلیا را که در دست آن فرشته بود - همان که برای روشن ساختن زمین با جلال خود فرود آمد - خورده باشند، آنان روش کتاب مقدسی را پذیرفته‌اند که به ایشان امکان می‌دهد نشانه‌های زمان را به درستی تشخیص دهند. آن روش به

پسران لاوی امکان می‌دهد تشخیص دهند که آن نشانه‌های زمان نشان می‌دهند کلیسا و دولت در ایالات متحده در حال به هم پیوستن هستند، در تحقق آزمون صورت وحش. از آن مهم‌تر، آن نشانه‌های زمان، وقتی در چارچوب خطوط اصلاح مقدس قرار داده شوند، جوهره آلفا و امگا هستند: آغاز پایان را می‌نمایند. خطوط اصلاح مقدس نشان می‌دهند که قوم خدا باید هرآنچه در توان دارند انجام دهند تا در کار آماده‌سازی خود برای مهر خدا همکاری کنند.

پس، ای عزیزان من، همان‌گونه که همواره اطاعت کرده‌اید—نه تنها در حضور من، بلکه اکنون به مراتب بیشتر در غیاب من—نجات خود را با ترس و لرزش به عمل آورید. زیرا خداست که در شما هم خواستن و هم عمل کردن را برای خشنودی نیکوی خود به کار می‌انگیزد. هر کاری را بدون غرولند و جدال انجام دهید، تا بی‌عیب و بی‌آلایش باشید، فرزندان خدا، بی‌سرزنش، در میان نسلی کجرو و منحرف، که در میان آنان چون چراغ‌ها در جهان می‌درخشید. فیلیپیان ۱۲:۱۵-۱۵.

دانیال، حننیا، میثائیل و عزریا، چهار تن، نمایانگر ادونتیست‌های روز هفتم در سراسر جهان هستند که یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ را نشانه نزول فرشته مکاشفه باب هجده می‌دانند و برمی‌گزینند که من پنهانی را که در دست اوست برگیرند و بخورند. آن من پنهانی که باید خورده شود، همان‌گونه که رسول پولس همین اکنون یاد کرد، نمایانگر خداست (همان من پنهان) که در درون قوم خویش عمل می‌کند تا آنان اراده و خشنودی او را به‌جا آورند. پولس نماینده پیام‌آور نزد اهل فیلادلفیه است و رد کردن پیام او به معنای مرگ بود. دانیال، حننیا، میثائیل و عزریا نماینده کسانی هستند که خوردن من پنهان را برمی‌گزینند.

و از میان ایشان، از فرزندان یهودا، دانیال، حننیا، میثائیل و عزریا بودند. رئیس خواجه‌سرایان به آنان نام‌هایی داد؛ زیرا به دانیال نام بلطشصر را داد، و به حننیا نام شدراک را، و به میثائیل نام میشک را، و به عزریا نام عبدنغو را. اما دانیال در دل خود عزم کرد که خود را با خوراک پادشاه و با شرابی که او می‌نوشید آلوده نسازد؛ از این‌رو از رئیس خواجه‌سرایان درخواست کرد تا خود را آلوده نسازد. دانیال ۱:۶-۸.

دانیال عزم می‌کند که پیامی را که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از آسمان فرود آورده شد بخورد و همچنین پیامی را که به صورت خوراک و نوشیدنی بابل نشان داده شده است رد کند. اسپیناز انتخاب کرده بود که کدامیک از اسیران یهودا باید به حضور پادشاه آورده شوند.

و پادشاه به اسپیناز، رئیس خواجه‌سرایانش، گفت تا از میان بنی‌اسرائیل، و نیز از نسل پادشاه و از بزرگان، برخی را بیاورد؛ جوانانی بی‌عیب، خوش‌سایما، ماهر در هر گونه حکمت، زیرک در دانش، فهمیده در علم، و شایسته حضور در قصر پادشاه؛ و آنان که بتوان به ایشان دانش و زبان کلدانیان را آموخت. دانیال ۱:۴، ۵.

اگر سلسله فرماندهی مشخص شده در مکاشفه، فصل یک، آیه یک، را دنبال کنیم، نبوکدنصر به اشفناز دستور داده بود کودکانی را برگزیند که پیشگویی اشعیا به حزقیا را تحقق می‌بخشیدند. اشفناز پیام را گرفت و سپس آن را به ملزار، رئیس خواجه‌سرایان، سپرد. نبوکدنصر نماد پدر آسمانی است؛ اشفناز نماد مسیح است و ملزار نماد جبرئیل. اشفناز می‌دانست کدام کودکان را انتخاب کند و می‌دانست که دانیال پیش از آنکه او را به حضور پادشاه ببرد، تصمیم درست مربوط به خوراک را خواهد گرفت.

و خدا باعث شده بود که دانیال در نظر رئیس خواجه‌سرایان مورد لطف و محبت قرار گیرد. و رئیس خواجه‌سرایان به دانیال گفت: من از مولای خود، پادشاه، می‌ترسم؛ او خوراک و نوشیدنی شما را تعیین کرده است. زیرا اگر او ببیند که چهره‌های شما نسبت به دیگر جوانانی که هم‌سن‌وسال شما هستند نزارتر است، آنگاه شما سر مرا نزد پادشاه به خطر خواهید انداخت.

ملزار در اینجا نخستین گام پیام‌های سه فرشته را مشخص می‌کند. نخستین گام، ترس از خداست؛ همان‌گونه که ترس ملزار از نبوکدنصر نشان می‌دهد. واژه عبری «حقیقت» که با کنار هم گذاشتن حرف نخست، سیزدهم و آخر الفبای عبری ساخته شده، پیش‌تر در این مقالات نشان داده شده که نمایانگر فرایند آزمون سه مرحله‌ای سه فرشته است. بدین ترتیب، بر پایه چندین شاهد ثابت شد که پیام فرشته نخست هر سه آزمون سه‌گانه‌ای را که پیام‌های سه فرشته نمایندگی می‌کنند، در بر داشت. پیام فرشته نخست به‌عنوان انجیل جاودان شناخته می‌شود، بدین معنا که همان انجیل از روزگار آدم تا بازگشت دوم مسیح است.

و دیدم فرشته‌ای دیگر در میانه آسمان پرواز می‌کرد که انجیل جاودان را داشت تا به ساکنان زمین و به هر قوم و قبیله و زبان و ملت بشارت دهد؛ و با صدای بلند می‌گفت: از خدا بترسید و به او جلال دهید، زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است؛ و او را بپرستید که آسمان و زمین و دریا و چشمه‌های آب را آفرید. مکاشفه ۶:۱۴، ۷.

گام نخست پیام فرشته اول، ترس از خداست. گام دوم، جلال دادن به اوست و گام سوم، فرارسیدن ساعت داوری اوست. در ارتباط با پیام‌های دو فرشته دیگر، پیام فرشته اول این است: «از خدا بترسید.» سپس پیام فرشته دوم سقوط بابل را اعلام می‌کند، و چه در جنبش میلری فرشته اول و چه در جنبش فرشته سوم، دعوت به خروج از بابل همان‌جاست که ریختن روح‌القدس آشکار می‌شود. در آن دوره زمانی، خواه از آن با عنوان فریاد نیمه‌شب، فریاد بلند، یا باران آخر یاد شود، کسانی که این پیام را اعلام می‌کنند خدا را جلال می‌دهند. پیام فرشته دوم جایی است که به خدا جلال داده می‌شود، و آن دوره به نقطه‌ای زمانی منتهی می‌شود که در تاریخ میلری آغاز داوری تحقیقی بود، یا داوری زن بدکار بابل که در بحران قانون یکشنبه رخ می‌دهد.

ترس ملزار نمایانگر پیام فرشته اول است و آغازگر آزمون تغذیه‌ای ده‌روزه، که خود عدد ده نیز نشانه یک آزمون است. اظهار ترس ملزار از پادشاه همانند این بود که دانیال بیش از پادشاه از خدا می‌ترسید و در دل قصد کرده بود با خوراک بابل خود را آلوده نسازد. مدت آزمون دانیال و آن سه مرد شایسته سه سال بود و بدین‌سان سه مرحله پیام‌های سه فرشته را نشان می‌دهد.

و پادشاه برای ایشان جیره‌ی روزانه‌ای از خوراک پادشاه و از شرابی که خود می‌نوشید مقرر کرد تا به مدت سه سال پرورش یابند و در پایان آن در حضور پادشاه بایستند. دانیال ۱:۵.

فصل اول دانیال نمایانگر قدرت‌یافتن پیام فرشته اول است و در همان‌جا آغاز آزمون غذایی را نشان می‌دهد، آزمونی که در تاریخ میلریتی‌ها با خوردن کتاچه کوچک نمایانده می‌شد. دوره آزمون برای دانیال و آن سه مرد شایسته در ده روز نخست آن سه سال به انجام رسید. عدد ده نماد فرایند آزمون است، همان‌گونه که در اسرائیل باستان نمایان شد، زمانی که آنان دهمین آزمون را که با پیام یوشع و کالب نمایانده شده بود، رد کردند. این امر همچنین در زمان جفا در کلیسای سمیرنا نمایان است.

از هیچ‌یک از آنچه قرار است رنج ببری مترس؛ اینک، ابلیس بعضی از شما را به زندان خواهد افکند تا آزموده شوید؛ و ده روز رنج خواهید داشت. تا به مرگ وفادار بمان، و من به تو تاج حیات خواهم داد. مکاشفه ۱۰:۲

توصیه به کلیسای سمیرنا این بود که از فرایند آزمایش نترسند، زیرا اگر از خدا بترسند، او خداترسی ایشان را با تاج حیات پادشاه خواهد داد. آن خداترسی در اشتیاق دانیال برای خوردن من آسمانی نمایان است.

آنگاه دانیال به ملزار، که رئیس خواجه‌سرایان او را بر دانیال، حنیا، میشائیل و عزریا گماشته بود، گفت: «استدعا دارم بندگان را ده روز بیازمایم؛ بگذار به ما خوراک گیاهی بدهند تا بخوریم و آب تا بنوشیم. سپس چهره‌های ما را در حضور خود، و نیز چهرهٔ جوانانی را که از سهم خوراک پادشاه می‌خورند، بنگر؛ و آن‌گونه که می‌بینی، با بندگان رفتار کن.» پس او در این امر با آنان موافقت کرد و ایشان را ده روز آزمود. دانیال ۱۰:۱۴-۱۴.

نخستین آزمون، خداترسی بود؛ چنان‌که در ماجرای ملزار و تصمیم دانیال در دلش برای آن‌که خود را با خوراک و نوشیدنی بابلی آلوده نسازد، به‌خوبی نشان داده می‌شود. عنصر دوم پیام فرشتهٔ نخست این است که خدا را جلال دهند، که به‌منزلهٔ نمود ظاهری تأثیرات آن رژیم غذایی است. در پایان ده روز، دانیال و سه مرد شایسته با ظاهر جسمانی خود خدا را جلال دادند.

و در پایان ده روز، چهره‌هایشان نیکوتر و از نظر جسمانی قریه‌تر از همهٔ جوانانی که از سهم خوراک پادشاه می‌خوردند به نظر آمد. پس ملزار سهم خوراکشان و شرابی را که باید می‌نوشیدند برداشت و به آنان خوراک گیاهی داد. اما به این چهار جوان، خدا دانش و مهارت در همهٔ علوم و حکمت عطا کرد؛ و دانیال نیز فهم همهٔ رؤیاها و خواب‌ها را داشت. دانیال ۱۵:۱-۱۷.

آن چهار نوجوان از نخستین آزمون خوراک—which همان جایی که آدم و حوا در آن سقوط کردند و نیز نخستین آزمونی را نشان می‌داد که مسیح بلافاصله پس از تعمید خود با آن مواجه شد—سربلند بیرون آمدند. تعمید مسیح قدرت‌بخشی به پیام نخست در خط نبوی او بود. این تعمید پیامی را که «صدای نداکننده در بیابان» اعلام کرده بود توانمند ساخت و تأیید نمود. سپس، همان‌گونه که برای دانیال و سه یار وفادارش رخ داد، مسیح نیز برای چهل روز در باب خوراک آزموده شد؛ چنان‌که دانیال برای ده روز آزموده شد. دانیال و مسیح نماد آزمون من پنهان در دست فرشته بودند که در 11 سپتامبر 2001 نازل شد. دو آزمون دیگر در پی آن برای مسیح و نیز برای دانیال بود. آزمون دوم همان جایی بود که دانیال و آن سه یار با چهره‌هایشان خدا را جلال دادند. آزمونی که پس از آزمون خوراک برای مسیح آمد نیز نمایانگر جلال بود.

و شیطان به او گفت: اگر پسر خدا هستی، به این سنگ فرمان بده تا نان گردد. و عیسی در پاسخ به او گفت: نوشته شده است: انسان تنها به نان زنده نمی‌ماند، بلکه به هر کلام خدا. و شیطان او را بر فراز کوهی بلند برد و در یک لحظه همهٔ پادشاهی‌های جهان را به او نشان داد. و شیطان به او گفت: این همه قدرت و جلال آنها را به تو خواهم داد، زیرا به من سپرده شده است؛ و آن را به هر که بخواهم می‌دهم. پس اگر مرا پرستش کنی، همه از آن تو خواهد بود. و عیسی در پاسخ به او گفت: از من دور شو، ای شیطان! زیرا نوشته شده است: خداوند خدای خود را پرستش کن و تنها او را خدمت کن. متی ۴:۳-۸.

پس از آنکه مسیح آزمون خوراک را پشت سر گذاشت، شیطان آنگاه «جلال» همهٔ ممالک جهان را به او عرضه کرد، و مسیح در عوض برگزید که پادشاه پادشاهان را جلال دهد. آدم و حوا در نخستین آزمون مردود شدند و بی‌درنگ کوشیدند چهره‌های خود را با برگ‌های انجیر پنهان کنند، زیرا دیگر جلال خدا را، که با جامهٔ نوری که پیش‌تر بر تن داشتند نمایان می‌شد، نشان نمی‌دادند. هنگامی که دانیال و سه مرد شایسته آزمون خوراک را پشت سر گذاشتند، آنگاه به آنان چنین عطا شد: «دانش و مهارت در همهٔ علوم و حکمت؛ و دانیال در همهٔ رؤیاها و خواب‌ها فهم داشت.»

آن‌ها آزمون دوم را پشت سر گذاشتند، آزمونی ظاهری که به‌دست ملزار برگزار شده بود. در تاریخ جنبش میلریتی، پیام فرشتهٔ دوم مرز میان کسانی را که پیام «صدایی که در بیابان فریاد می‌زد» را، که ویلیام میلر نماینده‌اش بود، پذیرفتند و کسانی که آن را رد کردند، مشخص کرد. از نظر نبوی، جنبش میلریتی سپس به شاخ آشکار و تنها شاخ حقیقی پروتستانیسم بدل شد و آنان که پیام و جنبش

را رد کردند، دختران روم شدند. آن‌ها خوردن خوراک و نوشیدن شراب بابل را، در برابر کتابچه کوچک، برگزیده بودند. در پایان سه سال، دانیال و مردان شایسته برای داوری نزد نبوکدنصر آورده شدند.

و در پایان روزهایی که پادشاه مقرر کرده بود آنان را بیاورند، آنگاه رئیس خواجه‌سرایان آنان را به حضور نبوکدنصر آورد. و پادشاه با ایشان گفت‌وگو کرد؛ و در میان همگان، کسی مانند دانیال و حنیا و میشائیل و عزریا یافت نشد؛ از این رو ایشان در حضور پادشاه ایستادند. و در همه امور حکمت و فهم که پادشاه از ایشان جویا شد، ایشان را ده برابر بهتر از همه ساحران و منجمان سراسر قلمرو او یافت. و دانیال تا سال نخست کوروش پادشاه باقی ماند. دانیال ۱:۱۸-۲۱.

دانیال و سه مرد شایسته آزمون «ده» روزه را پشت سر گذاشتند و سپس، وقتی در امتحان/آزمون نهایی‌شان قبول شدند، معلوم شد که آنها «ده» برابر از همه دیگران داناترند.

باب اول دانیال، نخستین اشاره به پیام فرشته اول است در کتابی که از دو کتاب دانیال و مکاشفه تشکیل شده است. این باب همان ویژگی‌هایی را دارد که فرشته نخست باب چهاردهم مکاشفه دارد. این، حقیقتی را که نخستین بار در آیه اول مکاشفه ذکر شده است، تأیید می‌کند؛ زیرا نبوکدنصر پیامی به اشیپاز داد و او نیز آن پیام را به ملزار رساند، و سپس او با دانیال تعامل کرد. پدر پیامی به مسیح داد، و او نیز آن پیام را به جبرئیل سپرد، و سپس او با یوحنا تعامل کرد.

پیام منتقل‌شده—همان پیامی که اکنون مهرش گشوده می‌شود—فرایند ارتباط پدر با کلیسای او را مشخص می‌کند. نخستین چیزی که پدر می‌خواهد برای کلیسای خود مشخص کند، فرایند آزمون سه مرحله‌ای سه فرشته است. کلام نبوی خدا این فرایند را با چندین خط نبوت و نیز با تاریخ پیروان میلر با دقت فراوان تشریح کرده است. این حقایق جزئی اساسی از من پنهان هستند که در دست فرشته بود، هنگامی که او در 11 سپتامبر 2001 فرود آمد.

اگر آزمون نخست را نگذرانده باشید، شرکت در آزمون دوم، و در نتیجه گذراندن آن، ناممکن است. این حقیقت در تاریخ مسیح و میلری‌ها به روشنی نشان داده شد. باب دوم دانیال آزمون دوم است که به گفته خواهر وایت، «سرنوشت ابدی ما با آن تعیین خواهد شد.» او همچنین می‌گوید که آن آزمونی است که باید «آن را بگذرانیم، پیش از آنکه مهر شویم.» آن آزمون اکنون تقریباً به پایان رسیده است.

باب دوم دانیال درباره آزمون تمثال وحش است، و بجاست که این باب درباره تمثالی عظیم باشد، و اینکه تنها به این سبب که دانیال از آزمون خوراک سربلند بیرون آمده بود و با «ده برابر» فهم و «حکمت» بیشتری برکت یافته بود، توانست آن آزمون را تشخیص دهد. همچون هشدار آن آزمون در نوشته‌های الن وایت، آزمون تمثال در باب دوم دانیال آزمونی است با پیامدهای مرگ یا زندگی.

از این رو پادشاه خشمگین و سخت برآشفت و فرمان داد همه حکیمان بابل را نابود کنند. و حکم صادر شد که حکیمان را به قتل رسانند؛ و در پی دانیال و یارانش برآمدند تا آنان را بکشند. دانیال ۲:۱۲، ۱۳.

چند مسئله نبوی دیگر در باب اول دانیال وجود دارد که باید به آن‌ها بپردازیم، و بررسی آن‌ها را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

من جماعتی را دیدم که به‌خوبی محافظت‌شده و استوار ایستاده بودند و به کسانی که می‌خواستند ایمان تثبیت‌شده جماعت را متزلزل کنند هیچ تأییدی نشان نمی‌دادند. خدا با خشنودی بر ایشان نگرست. سه گام به من نشان داده شد—پیام‌های سه فرشته: نخست، دوم و سوم. فرشته همراه من گفت: «وای بر کسی که سنگی را جابه‌جا کند یا میخی را در این پیام‌ها بجنیانند. فهم درست این پیام‌ها اهمیتی حیاتی دارد. سرنوشت جان‌ها به نحوه پذیرفته شدن آنها وابسته است.» بار دیگر از میان این پیام‌ها گذرانده شدم و دیدم که قوم خدا تجربه خود را به چه

بهای گزافی به دست آورده‌اند. آن از رهگذر رنج‌های بسیار و نبردی سخت به دست آمده بود. خدا آنان را گام به گام رهبری کرده بود تا ایشان را بر سکویی محکم و تکان‌ناپذیر قرار دهد. دیدم افرادی به سکو نزدیک شدند و شالوده‌اش را واریس کردند. برخی با شادمانی بی‌درنگ بر آن گام نهادند. دیگران شروع کردند به عیب‌جویی از شالوده. می‌خواستند اصلاحاتی صورت گیرد تا سکو کامل‌تر شود و مردم بسیار شادمان‌تر باشند. برخی از سکو پایین آمدند تا آن را بررسی کنند و اعلام کردند که بنیانش نادرست نهاده شده است. اما دیدم که تقریباً همه بر سکو استوار ایستاده بودند و به کسانی که پایین آمده بودند اندرز دادند که از شکایت دست بردارند؛ زیرا خدا استاد بنا بود و آنان با او می‌ستیزیدند. آنان کارهای شگرف خدا را که ایشان را به سکوی استوار رسانده بود بازگفتند، و به اتفاق چشم‌های خود را به آسمان بلند کردند و با صدای بلند خدا را تمجید کردند. این امر بر برخی از کسانی که شکایت کرده و سکو را ترک کرده بودند اثر گذاشت، و آنان با چهره‌ای فروتنانه بار دیگر بر آن گام نهادند.

توجه من به اعلام ظهور نخستین مسیح معطوف شد. یوحنا در روح و قدرت ایلیا فرستاده شد تا راه عیسی را آماده کند. آنان که شهادت یوحنا را رد کردند از تعالیم عیسی بهره‌مند نشدند. مخالفت آنان با پیامی که آمدن او را پیشگویی می‌کرد، ایشان را در جایگاهی قرار داد که نتوانند به آسانی قوی‌ترین شواهد مسیح‌بودن او را بپذیرند. شیطان کسانی را که پیام یوحنا را رد کردند برانگیخت تا یک گام دیگر پیش‌تر روند و مسیح را نیز رد کرده، او را مصلوب سازند. با انجام این کار، خود را در موضعی قرار دادند که نتوانستند برکت روز پنتیکاست را دریافت کنند؛ برکتی که راه ورود به قدس آسمانی را به آنان می‌آموخت. [دریده‌شدن] پرده هیکل نشان داد که قربانی‌ها و فرایض یهودی دیگر پذیرفته نخواهند شد. قربانی عظیم تقدیم و پذیرفته شده بود، و روح‌القدس که در روز پنتیکاست فرود آمد، ذهن شاگردان را از قدس زمینی به آسمانی برد؛ جایی که عیسی با خون خود داخل شده بود تا برکات کفارهاش را بر شاگردانش فروبارد. اما یهودیان در تاریکی مطلق باقی ماندند. تمام نوری را که می‌توانستند درباره طرح نجات داشته باشند از دست دادند و همچنان به قربانی‌ها و نذورات بی‌فایده خود اعتماد می‌کردند. قدس آسمانی جای قدس زمینی را گرفته بود، با این‌همه آنان از این تغییر بی‌خبر بودند. از این‌رو نمی‌توانستند از شفاعت مسیح در مکان مقدس بهره‌مند شوند.

بسیاری با وحشت به رفتار یهودیان در رد کردن و به صلیب کشیدن مسیح می‌نگرند؛ و هنگامی که تاریخ بدرفتاری شرم‌آمیز با او را می‌خوانند، می‌پندارند که او را دوست دارند و هرگز چون پطرس او را انکار نمی‌کردند یا چون یهود او را به صلیب نمی‌کشیدند. اما خدایی که دل‌های همه را می‌خواند، همان محبتی را که مدعی احساسش نسبت به عیسی بودند به بوته آزمایش گذاشته است. تمام آسمان با عمیق‌ترین علاقه نظاره‌گر پذیرش پیام فرشته اول بود. اما بسیاری از کسانی که مدعی محبت به عیسی بودند و هنگام خواندن داستان صلیب اشک می‌ریختند، بشارت آمدن او را استهزا کردند. به جای آنکه پیام را با شادی بپذیرند، آن را فریبی خواندند. آنان کسانی را که ظهور او را دوست می‌داشتند دشمن گرفتند و ایشان را از کلیساها بیرون راندند. آنانی که پیام نخست را رد کردند، از پیام دوم بهره‌ای نتوانستند برد؛ و نیز از فریاد نیمه‌شب، که می‌بایست آنان را آماده سازد تا با ایمان همراه عیسی به قدس‌الاقداس قدس‌گاه آسمانی درآیند، بهره‌ای نیافتند. و با رد آن دو پیام پیشین، فهم خود را چنان تیره کرده‌اند که در پیام فرشته سوم، که راه ورود به قدس‌الاقداس را نشان می‌دهد، هیچ نوری نمی‌بینند. دیدم همان‌گونه که یهود عیسی را به صلیب کشیدند، کلیساهای اسمی نیز این پیام‌ها را مصلوب کرده‌اند؛ از این‌رو از راه ورود به قدس‌الاقداس آگاهی ندارند و نمی‌توانند از شفاعت عیسی در آنجا بهره‌مند شوند. همچون یهود که قربانی‌های بی‌ثمر خود را تقدیم می‌کردند، آنان نیز دعا‌های بی‌ثمر خود را به بخشی که عیسی آن را ترک کرده است تقدیم می‌کنند؛ و شیطان، که از این فریب خشنود است، چهره‌ای دینی به خود می‌گیرد و ذهن‌های این مسیحیان مدعی را به سوی خود می‌کشاند و با قدرت خود، آیات و شگفتی‌های دروغین خود عمل می‌کند تا آنان را در دام خویش محکم سازد. نوشته‌های نخستین،

